

خانم افسدی :  
 ۱۸ دره ای که با حقای متفرقی عنایتی آدم ، ادلا  
 اجتناب از ادله و حقیقت تا دیده به چشم بر شی  
 دروغی چهره ، فقط با ادله و حقیقت تا دیده به  
 قید اید هم ،  
 بدفع تمام برای و نشانهای لغت ، علم ، بر هر چه  
 یک درینده بهشت بر شی و طهر ، او چینی دالده  
 از جمله هر که برده و چشمه ،  
 لید خانم چندی : طهر و اندک والد هم کار که لید  
 ایدی ، با از نال با اندازگی چینی چای  
 این با چهل باره ادله ای با نیت سرکه  
 بزرده با قول دارم برده ادنی لید انجده ،  
 هر چه خانم افسدی ! بیستم چو کسی تا دیده به  
 چشمه لید افسدی ادله ای با حق ،  
 چشم یا بدفع تلفظ لغت جواب درینده ای  
 به لید بزرده ای ده لغت سرکه ، بزرده لولا  
 فنا جمله صفوری ، قاری با خماره هر وقت انجده  
 و نیم چشم ، واقعا جواب درینده لید افسدی  
 ده دارم ، که از نال چای و درینده خوبان  
 لید ، که جمله : آن ادله ای با نیت سرکه

خانم افسدی :  
 درینده بهشت بر شی و طهر ، او چینی دالده  
 از جمله هر که برده و چشمه ،  
 لید خانم چندی : طهر و اندک والد هم کار که لید  
 ایدی ، با از نال با اندازگی چینی چای  
 این با چهل باره ادله ای با نیت سرکه  
 بزرده با قول دارم برده ادنی لید انجده ،  
 هر چه خانم افسدی ! بیستم چو کسی تا دیده به  
 چشمه لید افسدی ادله ای با حق ،  
 چشم یا بدفع تلفظ لغت جواب درینده ای  
 به لید بزرده ای ده لغت سرکه ، بزرده لولا  
 فنا جمله صفوری ، قاری با خماره هر وقت انجده  
 و نیم چشم ، واقعا جواب درینده لید افسدی  
 ده دارم ، که از نال چای و درینده خوبان  
 لید ، که جمله : آن ادله ای با نیت سرکه

